

نقش رسانه‌های گروهی و نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری کودکان در فضای مجازی کشورهای توسعه یافته

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۴/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۶/۰۴)

سمیرا بخشی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشگاه ارومیه

دکتر سید مهدی صالحی

دانشیار دانشگاه ارومیه رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

دکتر سیامک جعفرزاده

دانشیار دانشگاه ارومیه رشته فقه و اصول

چکیده

با گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی و دسترسی آسان کودکان به فضای مجازی، خطر بروز بزهکاری در این نیز افزایش یافته است. این تحقیق باهدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه، به دنبال ارائه راهکارهایی عملی برای تقویت نقش رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی در حفاظت از کودکان و نوجوانان خواهد بود. با گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، امروزه شاهد افزایش تصاعدی جرائم در این فضاها هستیم که به جنسیت، سن، مکان و زمان محدود نمی‌شود. این نوع از شبکه‌ها محیطی جدید را برای فعالیت‌های غیرمجاز فراهم کرده‌اند، به‌ویژه برای کودکان که از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند. این بستر، آسیب‌های متعددی را به آنان وارد می‌کند؛ آسیب‌هایی که برخی از آن‌ها به قربانی شدن مستقیم یا حتی ارتکاب جرائم توسط خود آنان منجر می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی، آموزشی، فرهنگی و حقوقی نقش مهمی در کاهش این پدیده دارند. در نهایت، تأکید بر آموزش سواد رسانه‌ای، نظارت هوشمند والدین، مشارکت مدارس و تدوین سیاست‌های حمایتی به‌عنوان رویکردهای مؤثر پیشگیرانه معرفی می‌شوند.

واژگان کلیدی: بزهکاری، پیشگیری، فضای مجازی، کودکان، آموزش، نظارت

۱. مقدمه

با افزایش نفوذ اینترنت و استفاده از گوشی‌های هوشمند و رایانه، کودکان نیز به کاربران فعال فضای مجازی تبدیل شده‌اند. با وجود فرصت‌های آموزشی و سرگرمی فراوان، این فضا بستری برای آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری نیز فراهم کرده است. اهمیت موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم کودکان به دلیل نداشتن تجربه، قدرت تحلیل و مهارت کافی، در برابر تهدیدات فضای مجازی آسیب‌پذیرتر هستند (نادری و همکاران، ۱۴۰۲).

نگرانی فزاینده‌ای در بین اعضای جامعه، به‌ویژه والدین و معلمان، در مورد ایمنی اینترنت وجود دارد. با وجود مزایای فراوان، اینترنت ابزاری برای جرم و جنایت بوده است که می‌تواند توسط هر کسی، حتی یک کودک یا یک جوان، انجام شود. با وجود این، هیچ داده مشخصی در مورد مشارکت کودکان مالزیایی در اینترنت که ممکن است قوانین موجود را زیر پا بگذارند، وجود ندارد، اما تخمین زده می‌شود که نزدیک به ۲۰.۱ میلیون کاربر اینترنت در مالزی، نسل جوان هستند. آن‌ها از ۱۵ سالگی صاحب یک تلفن هوشمند بوده‌اند و هدف اصلی آنها دسترسی به اینترنت بوده است سامانه، مرکز پایش مراقبت‌های درمانی ۲۰۱۶ (MCMC)^۱، این نگرانی فزاینده محدود به کشورهای در حال توسعه مانند مالزی نیست، بلکه شامل کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و استرالیا نیز می‌شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که رسانه‌های گروهی و نهادهای اجتماعی چه نقشی در پیشگیری از بزهکاری در بین اطفال و نوجوانان در فضای مجازی دارند؟

^۱ سامانه مرکز پایش مراقبت‌های درمانی (MCMC)

۲. مبانی نظری

۲-۱. بزهکاری کودکان در اینترنت

بخش چالش برانگیز اینترنت این است که یک کاربر ناشناس را نشان می‌دهد که به راحتی می‌تواند سن را به اشتباه نشان دهد. بنابراین، تشخیص سن بسیار دشوار است زیرا هیچ ابزار یا وسیله خاصی وجود ندارد که بتواند سن دقیق کاربران را شناسایی کند. حتی در وبسایت‌های تجاری که کارت اعتباری برای تأیید لازم است، تمایل به دستکاری سن وجود دارد. گزارش‌هایی وجود دارد که ادعا می‌کنند بازی‌های کامپیوتری، تلویزیون و اینترنت باعث ضعف در ارتباط اجتماعی بین کودکان شده‌اند. اگر ارتباط اجتماعی واقعی و مهارت‌های نرم در زندگی مانند مهارت‌های ارتباطی یا حتی ویژگی‌های شخصی در تشخیص درست و غلط وجود داشته باشد، این امر ممکن است مشکل ساز شود. یک نویسنده آلمانی ادعا کرد که رسانه‌های جدید منجر به «ناپدید شدن تدریجی واقعیت» شده‌اند (هارموت بنقل از کرافتس^۱، ۲۰۲۰). در برخی شرایط، کودکان ممکن است در استفاده از اینترنت درست مانند بازی‌های کامپیوتری و احتمال خیال‌پردازی مجازی به جای تجربه زندگی واقعی، معتاد شوند. با این حال، صرف اعتیاد به استفاده از اینترنت ممکن است تا زمانی که چنین عملی به حقوق شخص دیگری تجاوز نکند یا به اموالی که توسط قانون به رسمیت شناخته شده‌اند آسیب نرساند، مشکلی ایجاد نکند. اعضای جامعه نگران تأثیر بد اینترنت هستند که ممکن است یک کودک بی‌گناه را به یک کودک بزهکار تبدیل کند. در بدترین حالت، اعتیاد به اینترنت، بازی‌های آنلاین و رسانه‌های اجتماعی ممکن است باعث شود کودکان مرتکب اعمال خلافی مانند قلدری سایبری، تعقیب سایبری، سوءاستفاده سایبری، کلاهبرداری هویت، خودکشی سایبری

^۱ Harmut von Henting, as quoted by Crofts

و بسیاری دیگر از جرائم مرتبط با فضای مجازی شوند، بدون اینکه بدانند یا آگاه باشند که درواقع مرتکب جرمی می‌شوند که ممکن است تا حدودی آنها را تحت قانون محلی مسئول کند. در نتیجه اقداماتشان، ممکن است آینده خود را به خطر بیندازند.

سیستم عدالت کیفری همیشه با این معضل روبرو بوده است که وقتی کسانی که قانون را زیر پا می‌گذارند خردسال هستند و بنابراین از بسیاری جهات از نظر قانونی مسئول خودشان نیستند، چه باید کرد. اغلب اوقات، جامعه تمایل دارد بر محافظت از کودکان در برابر غفلت، سوءاستفاده یا آسیب تمرکز کند، اما اغلب از حمایت از کودکان غافل می‌شود.

خود را از آسیب رساندن بازدارند. این موضوع نیز به همان اندازه مهم است و باید در زمینه استفاده روزانه از اینترنت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، این سؤال که آیا می‌توان خطاهای کودک در اینترنت را به عنوان یک عمل بزهکارانه در نظر گرفت، با تجزیه و تحلیل معنای عمل بزهکارانه بررسی می‌شود. هدف این مقاله بررسی چارچوب قانونی مالزی در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری است که ممکن است برای اعمال نادرست در اینترنت قابل اجرا باشد. دیدگاه شریعت در مورد مسئولیت کودکان و مسائل حقوقی ناشی از آن در ارتباط با کودکان و اینترنت و محتوای آن نیز مورد بحث قرار گرفته است.

۲-۲- مفهوم کودک و اینترنت

کودکان با ویژگی‌های خاصی مانند بازیگوشی، ماجراجو، آسیب‌پذیر، شکننده و فاقد صلاحیت برای تصمیم‌گیری‌های مهم در زندگی شناخته می‌شوند. مطالعات انجام شده توسط (سیرگ یو،^۱ ۱۹۹۹). اینترنت را به عنوان یک زمین بازی برای کودکان یا نوجوانان برای بازی

^۱ Sjöberg,

با هویت خود مرتبط می‌داند. درک مفهوم کودک و رابطه آن با اینترنت و چگونگی تأثیر ویژگی‌های کودک بر بازنمایی و تعامل آنها در جامعه فضای مجازی ضروری است. از سوی دیگر، کودکان نماینده تعداد زیادی از گروه‌ها هستند، همانطور که فرانکلین اشاره کرده است. او این گروه‌ها را به چهار مرحله مختلف تقسیم می‌کند: نوزادی، کودکی، نوجوانی و اوایل بزرگسالی، که نیازها، حقوق و مسئولیت‌های مختلفی را مطرح می‌کنند. از این رو، کودکان بحث پیچیده‌ای را در مورد اینکه یک کودک تا چه حد می‌تواند مسئول اعمال خود باشد، مطرح می‌کنند، زیرا آنها سطوح مختلفی از مسئولیت را نشان می‌دهند. ما مسئولیت را با آنچه در رابطه با اینترنت درست و نادرست است، مرتبط می‌کنیم. بینهام^۱ (۱۹۹۸) این سؤال را در مورد کودکان مطرح می‌کند؛ اگر آنها «حقوق» دارند، آیا مسئولیت نیز دارند؟ فناوری بر زندگی ما تأثیر گذاشته است و در برخی شرایط، ما را در تشخیص درست و نادرست، به‌ویژه در آموزش به فرزندانمان، در تنگنا قرار می‌دهد. بیان می‌کند که «یک اجماع عمومی گسترده وجود دارد که آموزش تفاوت بین درست و نادرست در حال شکست است.»

ما درک می‌کنیم که درست و نادرست به شدت تحت تأثیر باور، هنجارها و سبک زندگی جامعه قرار دارند و قانون برای اجرای آن وضع می‌شود. اگر آموزش درست و نادرست به فرزندانمان شکست می‌خورد، آیا باید کودکان را به دلیل سردرگمی آنها در درک آنچه از نظر اخلاقی در اینترنت درست است، مجازات کنیم؟ استدلال ما این است که کودکان با تکامل اینترنت در تشخیص درست و غلط بیشتر گیج می‌شوند. باید در مورد حمایت از این

^۱, Bainham

مجرمان جوان احتیاط زیادی صورت گیرد - پاسخ قانونی به منافع آنها چیست؟ بازهم، اشاره می‌کند. (باندالی^۱، ۱۹۹۸)

تحقیقات گسترده‌ای در مورد کودکان در اینترنت توسط متخصصان رسانه مانند پروفیسور سونیا لیوینگستون از دانشکده اقتصاد لندن (LSE) انجام شده است که مسائل مختلفی را در رابطه با کودکان و اینترنت بررسی می‌کند. از سوی دیگر، (ترکل س، ۲۰۰۱)^۲ در مورد اینکه چگونه کامپیوترها به همان اندازه که بخشی از زندگی اجتماعی و روانی ما هستند، ابزار نیز هستند، می‌نویسد. تورکل در کتاب خود با عنوان «زندگی روی صفحه‌نمایش، فناوری»، در دیدگاه‌هایی که «نه تنها در آنچه انجام می‌دهیم، بلکه در نحوه تفکر ما نیز تغییر ایجاد می‌کند»، می‌نویسد. در کتاب دیگری، (ترکل س، ۲۰۰۱) در مورد «تنها باهم: چرا از فناوری بیشتر و از یکدیگر کمتر انتظار داریم» نوشت، جایی که او اثرات نامطلوب پیشرفت فناوری بر رفتار اجتماعی انسان را ارزیابی کرد. درواقع، نمی‌توان از تغییر سبک زندگی جامعه توسط توسعه فناوری، هوش مصنوعی و همچنین اینترنت اشیا جلوگیری کرد. بااین وجود، هوش انسانی باید به همان اندازه حفظ و حفظ شود تا در موج فناوری، به‌ویژه نسل‌های جوان، گرفتار نشود. در دنیای امروز، شاهد تضعیف جنبه‌های اخلاقی و معنوی هستیم، زمانی که کاربران اینترنتی غیرمسئولانه از اینترنت استفاده می‌کنند. علیرغم تأکید ادبیات موجود بر محافظت از کودکان در برابر قربانی شدن در اینترنت، جنبه دیگری که نباید فراموش شود، آموزش اخلاق و آداب به کودکان و نوجوانانی است که از اینترنت استفاده می‌کنند. آموزش ادب، اخلاق و آداب معاشرت در دنیای امروز می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد، زیرا کودکان در معرض انواع اطلاعات در اینترنت و حتی آنلاین از طریق تلفن‌های همراه قرار دارند.

^۱ Bandalli

^۲ Turkle

۲-۳. تعریف بزهکاری کودکان

در چارچوب قانونی مالزی و در اکثر حوزه های قضایی سایر کشورها، تعریف قانونی از عمل بزهکارانه وجود ندارد. بزهکار در فرهنگ لغت کمبریج به عنوان "فردی، معمولاً جوان، که به شیوه ای غیرقانونی یا غیرقابل قبول برای اکثر مردم رفتار می کند" تعریف شده است. معمولاً به عنوان بزهکاران نوجوان شناخته می شود. در (فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، ۲۰۱۷)^۱، بزهکار به عنوان یک فرد جوان که تمایل به ارتکاب جرم، به ویژه جرم جزئی دارد، تعریف می شود. (نسیمه حسین^۲، ۲۰۰۷). از اصطلاح بزهکاری نوجوانان برای اشاره به نوعی از اعمال مجرمانه توسط جوانان استفاده می کند. دفتر عدالت نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری ایالات متحده (OJJDP)^۳ آن را به عنوان عملی که توسط یک نوجوان انجام می شود و یک بزرگسال می تواند به خاطر آن در دادگاه کیفری تحت پیگرد قانونی قرار گیرد، تعریف می کند، اما وقتی توسط یک نوجوان انجام می شود، در صلاحیت دادگاه نوجوانان است. همین تعریف توسط دفتر امور هند، وزارت کشور و قانون بزهکاران نوجوان کانادا ۱۹۰۸ (که بعداً با قانون مجرمان جوان ۱۹۸۴ جایگزین شد) نیز استفاده می شود. قانون ۱۹۸۴ سپس با قانون عدالت کیفری جوانان جایگزین شد که از ۱ آوریل ۲۰۰۳ لازم الاجرا شد (وزارت دادگستری کانادا، ۲۰۱۶). از همه موارد فوق می توان نتیجه گرفت که جرم انجام شده توسط یک کودک فقط به عنوان یک عمل بزهکارانه یک کودک گمراه در نظر گرفته می شود، اما نه به عنوان یک مجرم.

^۱ English Oxford living Dictionary

^۲ Nasimah Hussin

^۳ United States Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention

اعمال بزهکارانه نوجوانان به دودسته تقسیم می‌شوند: اول، اعمال یا ترک فعل‌هایی که طبق قانون تحت سیستم‌های حقوقی مربوطه ممنوع و قابل مجازات هستند. دوم، اعمالی که به‌عنوان جرائم منزلتی شناخته می‌شوند، که به برخی از رفتارهایی اشاره دارند که اگر توسط یک نوجوان انجام شوند، جرم محسوب می‌شوند (نسیمه حسین، ۲۰۰۷). سن‌فورد همچنین تأکید می‌کند که «مفهوم بزهکاری نوجوانان مستلزم اعمالی است که توسط قانون به‌عنوان اعمال بزهکاری (نقض قوانین کیفری) و جرائم منزلتی (نقض قوانین نوجوانان) تعریف شده‌اند.» اکثر متون، بزهکاری کودکان و بزهکاری نوجوانان را به‌عنوان یک گروه از مجرمان جوان که طبق قانون به‌عنوان کودکان زیر ۱۸ سال تعریف می‌شوند، در نظر می‌گیرند. قانون مالزی در مفاد خود کلمه «کودک» را شامل نوجوانان نیز می‌کند. بااین‌حال، قانون OJJDP ایالات متحده، مجرمان جوان یا بزهکاری را به دو دسته تقسیم می‌کند: کودکان زیر ۱۳ سال و بالای ۱۳ سال فقط اعمال بزهکارانه‌ای که توسط کودکان زیر ۱۳ سال انجام می‌شود، کودک بزهکار نامیده می‌شود. در همین حال، عمل خلافی که توسط فرد جوان بالای این سن انجام می‌شود، به‌عنوان بزهکار نوجوان طبقه‌بندی می‌شود (اسنایدر، و همکاران؛ ۲۰۰۳).^۱ شیوع و توسعه بزهکاری کودکان). آن‌ها دریافتند که طبقه‌بندی مجرمان جوان در این دو گروه ضروری است، زیرا به گفته آنها؛ عمل خلافی که در سنین پایین انجام می‌شود، احتمال بیشتری دارد که در نوجوانی به مجرمان نوجوان جدی و خشونت‌آمیز تبدیل شود (لوبر و همکاران، ۲۰۰۳).^۲ بنابراین، کلمه بزهکار در مقابل مجرم یا مجرم ترجیح داده می‌شود.

این امر به‌ویژه از آن جهت صادق است که کودکان از نظر ماهیت و سن، عموماً ناتوان از انجام جرم تلقی می‌شوند. آن‌ها در برابر تأثیرات منفی و فشارهای بیرونی آسیب‌پذیر یا مستعد هستند.

^۱ Snyderet. al

^۲ Loeber

با ظهور وب سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام و توییتر، بدون شک جنبه‌های مثبتی از اینترنت را صرف نظر از سن، برای کاربران اینترنتی به ارمغان می‌آورد. فلاورز اظهار داشت که بسیاری از محققان مدت‌هاست که بزهکاری را با متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در زندگی بزهکار، به‌ویژه در نظریه خانه‌های ازهم‌پاشیده از جمله کیفیت زناشویی و انضباط والدین مرتبط دانسته‌اند (فلاورز، ۱۹۸۶)^۱. این وضعیت در دهه ۱۹۸۰ حاکم بود. چالش‌هایی که جامعه امروز در عصر فناوری اطلاعات با آن مواجه است، محدود به این نظریه نیست. به گفته یک روانشناس بالینی، (ازلینا، ۲۰۱۷)^۲ علت رفتار بزهکارانه، اقشار مختلف جامعه از جمله خانواده‌های غیر ازهم‌پاشیده و خانواده‌های حرفه‌ای را درگیر می‌کند.

سیستم عدالت کیفری همیشه با این معضل روبرو بوده است که وقتی کسانی که قانون را زیر پا می‌گذارند، خردسال هستند و بنابراین از بسیاری جهات از نظر قانونی مسئول خودشان نیستند، چه باید کرد. اغلب اوقات، جامعه تمایل دارد بر محافظت از کودکان در برابر غفلت، سوءاستفاده یا آسیب تمرکز کند، اما اغلب از محافظت از خود کودکان در برابر آسیب رساندن غافل می‌شود. این موضوع نیز به همان اندازه مهم است و باید به‌ویژه در زمینه استفاده روزانه از اینترنت به‌منظور آموزش کودکان از انجام اعمال بزهکارانه مورد توجه قرار گیرد. اساس مسئولیت کیفری مستلزم سه الزام است. اول، عمل ارتكابی باید غیرقانونی باشد. دوم، این عمل غیرقانونی با اراده آزاد انجام شود. سوم، عمل مذکور توسط یک فرد بالغ و عاقل که می‌تواند بین درست و غلط تمایز قائل شود، انجام شود (نسیمه حسین، ۲۰۰۷). بر اساس این مفهوم، اگر جرمی توسط کودکان مرتکب شود، آن‌ها پاسخگو یا مسئول نخواهند بود.

^۱ Flowers

^۲ Azlina@Roszy

۳. علل بزهکاری کودکان در فضای مجازی

۱. نبود آموزش و آگاهی لازم درباره فضای مجازی: بسیاری از کودکان بدون آموزش‌های ابتدایی در زمینه امنیت سایبری وارد فضای مجازی می‌شوند.

۲. غفلت یا ناآگاهی والدین از فعالیت‌های فرزندان در اینترنت: نبود ارتباط مؤثر والدین با کودکان باعث می‌شود نظارت کافی بر محتوای مصرفی کودکان وجود نداشته باشد.

۳. نبود قوانین تخصصی و به‌روز در حوزه جرائم سایبری مرتبط با کودکان: قوانین موجود اغلب کلی و ناکارآمد هستند.

۴. دسترسی آسان به محتوای خشونت‌آمیز یا غیراخلاقی: بدون وجود سامانه‌های فیلترینگ هوشمند، کودکان در معرض اینگونه محتوا قرار می‌گیرند. (نادری و عبدالهی، ۱۴۰۲)

۳-۱- کودک و مسئولیت کیفری

بنابراین، تحلیل حداقل سن مسئولیت کیفری برای پاسخ به این سؤال مهم است که آیا خطاهای کودک در اینترنت می‌تواند او را در برابر قانون مسئول کند؟ ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد ۱۹۸۹ (UNCRC) کودک را فردی «زیر ۱۸ سال» تعریف می‌کند (مالزی در سال ۱۹۹۵ این کنوانسیون را تصویب کرد). با این حال، UNCRC به دولت اجازه می‌دهد سن بلوغ پایین‌تری را تعیین کند. علاوه بر این، دستورالعمل‌های اقدام در مورد کودکان در نظام عدالت کیفری و دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (معروف به «دستورالعمل‌های ریاض») صرفاً برخی از دستورالعمل‌ها را در مورد سن مسئولیت کیفری ارائه می‌دهند. در قوانین پکن، قانون ۲۰۲۰ (الف) از حداقل قوانین استاندارد برای اجرای

عدالت نوجوانان (سازمان ملل، ۱۹۸۵) اذعان می‌کند که: «نوجوان، کودک یا جوانی است که طبق سیستم‌های حقوقی مربوطه، ممکن است با او به دلیل جرمی به روشی متفاوت از یک بزرگسال رفتار شود.» این امر برای تضمین اجرای صحیح سیستم عدالت نوجوانان است. بازهم، این قانون به صراحت حداقل سن استاندارد مسئولیت کیفری کودک را ذکر نکرده است تا حداقل سن تعیین شده توسط کشورهای مختلف که معمولاً به بلوغ عاطفی، ذهنی و فکری کودکان و همچنین وضعیت توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور بستگی دارد، رعایت شود.

در مالزی، ۳ قانون سابق، یعنی؛ قانون دادگاه‌های نوجوانان ۱۹۴۷؛ قانون حمایت از کودکان ۱۹۹۹؛ و قانون حمایت از زنان و دختران ۱۹۷۳ را ادغام کرد. اصلاحیه آن، از جمله موارد دیگر، تغییر نام دادگاه نوجوانان به دادگاه کودکان است. بخش ۲ قانون کودک که «کودک» را اینگونه تعریف می‌کند:

«(الف) فرد زیر هجده سال؛ و (ب) در رابطه با دادرسی کیفری، به شخصی اطلاق می‌شود که به سن مسئولیت کیفری طبق ماده ۸۲ قانون مجازات [قانون ۵۷۴] رسیده باشد. قوانین و مقررات مختلفی مانند بخش ۲ از (قانون سن اکثریت ۱۹۷۱)^۱، بخش ۱۰ از (قانون قراردادها ۱۹۵۰)^۲، بخش ۱۰ از اصلاح قانون (ازدواج و طلاق، ۱۹۷۶)^۳ و بخش ۹۰ از قانون مجازات نیز به فرد زیر ۱۸ سال، صغیر یا کودک اطلاق می‌کنند. قانون کودک، ساختار اصلی، فرایندها و رویه‌های پاسخگویی به کودکانی را که مرتکب جرائم کیفری می‌شوند، تشریح می‌کند. در رابطه با موضوع مسئولیت کیفری کودک، بخش ۸۲ از قانون مجازات مالزی به‌وضوح از

^۱ Age of Majority Act ۱۹۷۱

^۲ Contracts Act ۱۹۵۰

^۳ Law Reform (Marriage and Divorce) Act ۱۹۷۶

کودکان زیر ۱۰ سال محافظت می‌کند. در همین حال، کودکی که بالای ۱۰ سال و کمتر از ۱۲ سال سن دارد نیز در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که این کودک خاص «بلوغ کافی برای درک و قضاوت در مورد ماهیت و پیامدهای رفتار خود را ندارد»، از مسئولیت کیفری معاف خواهد شد. این امر بر اساس اصل عدم صلاحیت در حقوق عرفی است. در واقع، قانون مجازات مالزی از قانون انگلیس در افزایش سن مسئولیت کیفری کودک در جرائم کیفری از سن هفت سالگی به ده سالگی بدون هیچ دلیل قطعی (مجید، ۲۰۰۱)^۱ پیروی کرد، اما فرض عدم صلاحیت... ناتوانی همچنان پابرجاست. جای سؤال است که آیا این اقدامات سختگیرانه طبق قانون انگلیس باید در مورد مجرمان جوان در موارد تخلفات اینترنتی نیز اعمال شود؟ آیا خطای مرتکب شده به اندازه کافی سنگین است که با جرم قتل در یک سطح قرار گیرد؟ در مورد چگونگی واکنش قانون به کودک مجرمی که در اینترنت مرتکب خطا می‌شود، شکافی در ادبیات وجود دارد و گفته می‌شود که شناسایی انواع جرائم ارتكابی توسط کودک در اینترنت، چه تحت مسئولیت مدنی باشد و چه تحت مسئولیت کیفری، ضروری است.

در بریتانیا، فرض ناتوانی در انجام وظیفه طبق قانون انگلیس برای کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله، به نظر می‌رسد به کودکان استقلال بیشتری می‌دهد و تصدیق می‌کند که آنها قادر به استدلال اخلاقی هستند، در عین حال به آنها اجازه می‌دهد که به دلیل انجام کار اشتباه تحت پیگرد قانونی قرار گیرند. علاوه بر این، قوانینی مانند (فیوندا، ۱۹۹)^۲ و قانون رفتار ضد اجتماعی ۲۰۰۳، کودکان را به عنوان شرور بالقوه و نیازمند توجه و کنترل تلقی می‌کنند و جوانان به عنوان گروهی خطرناک دیده می‌شوند که می‌توانند هماهنگی جامعه را تهدید کنند. از سوی دیگر، دولت مسئولیت حفظ نظم از طریق قانون جزا و اعمال مجازات برای والدین به دلیل رفتار فرزندانشان را دارد،

^۱ Majid^۲ Fionda

همانطور که در قانون رفتار ضداجتماعی انگلستان مصوب ۲۰۰۳ دیده می‌شود. اینترنت در حال ایجاد یک پدیده جهانی است که مرز نمی‌شناسد و روش سنتی قدیمی ارتباطات و انتشار اطلاعات را متحول کرده است. در نتیجه، قانون با چالش‌های بزرگتری برای تبدیل شدن به ابزاری برای محافظت از جامعه در برابر اعمال مجرمانه و غیرقانونی، به‌ویژه اگر چنین اعمالی توسط افراد ناشناس آنلاین که اتفاقاً کودک بوده‌اند، انجام شود، روبرو است.

۳-۲- مسئولیت کیفری کودکان تحت قانون شریعت

به‌طور کلی، طبق قانون شریعت در مالزی، کودکی که بالغ نشده باشد، نمی‌تواند مسئول جرمی باشد که مرتکب شده است، به‌عنوان مثال در بخش ۵۱ جرائم کیفری شریعت (قانون جرائم جنایی (مناطق فدرال) ۱۹۹۷).^۱ اصطلاح بالغ طبق بخش ۱۲(۱) همان قانون به معنای «رسیدن به سن بلوغ طبق قانون اسلامی» تفسیر شده است. این اصطلاح ممکن است نسبتاً مبهم و نامشخص تلقی شود زیرا سن خاصی برای مسئولیت کیفری بیان نشده است. با این وجود، قانون شریعت در حمایت از حقوق کودک، اصل کلی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای قضات برای تعیین مسئولیت کیفری فرد استفاده شود. قاعده مسئولیت تحت قانون کیفری اسلامی، فرد را در مراحل مختلف رشد طبقه‌بندی می‌کند. مرحله اول از بدو تولد تا هفت سالگی است که به کودکانی اطلاق می‌شود که قادر به درک نیستند (صبی غیر ممیز). مرحله دوم به کودکانی با درک ضعیف (صبی ممیز) اشاره دارد که معمولاً به افراد هفت تا پانزده ساله اطلاق می‌شود. در نهایت، مرحله سوم به فردی با بلوغ و درک کامل (بالغ و رشید) اشاره دارد (عبدالکریم زیدان، ۲۰۰۶).^۲ این مرحله‌ای است که گفته می‌شود فرد به بزرگسالی می‌رسد. بنابراین، طبق قانون اسلامی، حداقل سن مسئولیت کیفری بستگی به این دارد که آیا

^۱ Syariah Criminal Offences (Federal Territories) Act ۱۹۹۷

^۲ Abdul Karim Zaidan

کودک به سن بلوغ رسیده است یا خیر، زیرا این نشان‌دهنده توانایی درک کامل عواقب رفتار خود است.

به طور کلی، قاعده مسئولیت در اسلام (تکلیف) برای همه مسلمانانی که به بلوغ رسیده‌اند، قابل اجرا است. (وهبه از زحیلی، ۲۰۱۱)^۱، باین حال، پیامبر اکرم (ص) سه دسته از افراد را تبرئه کردند. این در حدیث سنن ابی داوود ثبت شده است: «سه (دسته) از افراد از مسئولیت مبری هستند، دیوانه تا زمانی که عاقل شود؛ خواب تا زمانی که بیدار شود؛ و کودک تا زمانی که به سن بلوغ برسد» بدیهی است که هدف قانون اسلام، معافیت کودکان از مسئولیت تا زمانی است که به سن بلوغ یا رشد (بلوغ) برسند. طبق (ابن عابدین، ۲۰۰۰)^۲، بلوغ نشانه پایان کودکی برای یک فرد و شروع نوجوانی یا بزرگسالی اوست که در آن می‌توان او را در قبال تمام فعل یا ترک فعل خود پاسخگو دانست (تکلیف). مذاهب اسلامی دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نشانه بلوغ دارند (وهبه از زحیلی، ۲۰۱۱). معیار مشترک بلوغ؛ احتلام برای پسران و حیض برای دختران است. بلوغ جسمی می‌تواند از نه سالگی تا پانزده سالگی در مذهب شافعی باشد. در همین حال، برای تعیین اینکه آیا یک فرد، پسر یا دختر، می‌تواند از نظر کیفری مسئول باشد یا خیر، باید به ... طبق نظر شافعی و حنبلی، حداکثر ۱۵ سال سن است (النسفی، ۲۰۱۱)^۳. در همین حال، مالکی و حنفی به جز ابویوسف که با نظر شافعی موافق است، با توجه به اینکه سن بلوغ تا ۱۸ سال است (آنیتا عبدالرحیم، ۲۰۰۹)^۴. می‌توان نتیجه گرفت که سن بلوغ و تکلیف و به دنبال آن سن مسئولیت کیفری کودکان از دیدگاه قرآن بر چند معیار استوار است. اول، بلوغ جنسی کودک یعنی رسیدن به حد احتلام برای پسران و رسیدن به حد حیض برای دختران است،

^۱ Wahbah Az-Zuhaili

^۲ Ibn Abidin

^۳ An-Nasafi,

^۴ Anita Abdul Rahim

درحالی که معیار دوم، رسیدن به رشد و بلوغ فکری است. صرف رسیدن به بلوغ یا بلوغ جنسی برای مسئولیت کیفری کافی نیست. اثبات رشد فکری یا توانایی تشخیص خیر و شر (رشد) نیز باید نشان داده شود. سن دقیق بلوغ ممکن است از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد که معمولاً به عوامل زیادی از جمله سبک زندگی بستگی دارد. بااین حال، از آنجا که قوانین و اعمال اسلامی در مالزی از مذهب شافعی پیروی می کنند، می توان تأکید کرد که ۱۵ سال سن، حداکثر سن بلوغ برای یک فرد، چه از نظر جسمی و چه از نظر فکری، است. بلوغ جسمی او را به سمت امیال و هوس ها سوق می دهد، درحالی که بلوغ فکری او را به تشخیص درست و غلط و خیر و شر ترغیب می کند.

لازم به ذکر است که بحث در مورد معافیت کودکان از مسئولیت کیفری به ویژه به جرائم سنگین تحت دسته های قصاص و حدود ارجاع داده می شود. (آیتا عبدالرحیم، ۲۰۰۹). دلیل این امر این است که در سایر انواع جرائم یا مسئولیت های مدنی، کودکان یا در برخی موارد، والدین، همچنان می توانند مسئول شناخته شوند و مسئول شناخته شوند (به عنوان مثال، پرداخت دیه) تا از انجام عمل بزهکارانه مشابه در آینده جلوگیری شود. مجازات از این نوع می تواند به عنوان تعزیر (مجازات غیر از حدود) به عنوان وسیله ای برای تربیت (تأدیب) و نه قصاص در نظر گرفته شود (الموردی^۱، ۱۹۸۹). بنابراین، در مواردی که عمل بزهکارانه کودکان در میان است، قاضی همچنان می تواند آنها را با مجازاتی که برای آنها مناسب و در راستای منافع کودک می داند، مجازات کند. حقوق قانونی کودکان بزهکار، هم از طریق روش های مختلف اجرای قانون جزای اسلامی و هم از طریق نقش قوه قضائیه در گسترش حمایت از مجرمان نوجوان، ظریف و متفاوت است (ابیاد و ضیا منصور، ۲۰۱۰)^۲. یک قاضی آموزش دیده که

^۱ Al Mawardi

^۲ Abiad and Zia Mansoor

می‌داند چگونه با کودکان بزهکار برخورد کند، در رسیدگی به مسائل مربوط به مسئولیت کیفری نیز بسیار مهم است. منافع کودکان باید در اولویت رسیدگی به کودکان بزهکار باشد. ارائه برنامه‌های توانبخشی و ساختارمند برای کودکانی که هنگام استفاده از اینترنت بدرفتاری می‌کنند، کار آسانی نیست. اگر جامعه و همچنین دولت تلاش جدی برای مقابله با مشکلات اجتماعی مطرح شده در اینترنت انجام ندهند، قلدری سایبری، تعقیب سایبری و سرقت هویت می‌تواند منجر به اثرات فاجعه‌باری شود.

۴. کودکان و رسانه‌های اجتماعی: مشکلات و چالش‌های حقوقی.

در بحث در مورد چالش‌های حقوقی رسانه‌های اجتماعی در تنظیم امور مربوط به کودکان، این مقاله بر دو جنبه تمرکز دارد: اول، قربانی شدن کودکان در اینترنت (اوتوسان بورنئو (صبح)، ۲۰۱۶)^۱ و دوم، کودکانی که هنگام استفاده از اینترنت رفتارهای ضداجتماعی از خود نشان می‌دهند. مسائل حقوقی ناشی از قربانی شدن کودکان در اینترنت بسیار گسترده است. با این حال، جنبه دیگری که نگرانی‌هایی را نیز ایجاد می‌کند، رفتارهای ضداجتماعی کودکان به ویژه نوجوانان در اینترنت است. (استالان ها و فین، ۲۰۱۶) ادعا می‌کنند که اینترنت امکان ناهنجاری و قانون‌شکنی در اشکال جرائم سایبری را فراهم می‌کند. در تحقیقی که توسط (هیس و همکاران، ۲۰۱۶)^۲ بر اساس طبقه‌بندی‌های تسهیل شده و بهبودیافته وب از رفتارهای انحرافی آنلاین و مطالعه هویت تخلف، باندها و عضویت در باندها در محیط‌های آنلاین انجام شده است، مشکلی که کودکان و نوجوانان هنگام گشت‌وگذار در اینترنت با آن مواجه می‌شوند، گاهی اوقات ممکن است با والدین به اشتراک گذاشته نشود. این مطالعه بر اساس داده‌های سومین نظرسنجی ایمنی اینترنت جوانان (۳-YISS)، یک نظرسنجی تلفنی با

^۱ Utusan Borneo (Sabah).

^۲ Hsieh, M.L, Mc Shanes, MD and Williams, MF

نمونه ای از ۱۵۶۰ کاربر اینترنت ۱۰ تا ۱۷ ساله در سطح ملی ایالات متحده و مراقبان آنها انجام شده است. واکنش جوانان به تجربیات ناخواسته اینترنتی بسته به نوع تجربیات ناخواسته، اینکه آیا آنها پریشان هستند یا واکنش های منفی دیگری ناشی از حادثه دارند و تا حدی سایر ویژگی های جوانان و ویژگی های حادثه، متفاوت است. تیان لو و همکاران (۲۰۱۶)^۱ مورد عوامل روانشناختی که منجر به قصد بزهکاری آنلاین می شوند، مطالعه کردند. در تحقیق دیگری که توسط (بیشاپ^۲، ۲۰۱۴) در بریتانیا بر روی گروهی به نام گروه های جوانان آنلاین دردرساز (TOYG) انجام شد، که بر اساس داده های جمع آوری شده از افراد در سه منطقه بریتانیا است. این شامل جوانانی است که در حال تحصیل، اشتغال یا آموزش نیستند (NEETs). او در تحقیق خود به بررسی عللی می پردازد که این جوانان را به سمت ترول آنلاین سوق می دهد. ترول های اینترنتی به یک نگرانی بزرگ در بین جامعه تبدیل شده اند (بیشاپ، ۲۰۱۴). بنابراین، برای مقابله با چنین مشکلی به مکانیسم قانونی بیشتری نیاز است.

کودکان امروزه در معرض محتوای «غیرقانونی و توهین آمیز» اینترنت قرار دارند. یکی دیگر از مسائل مهم، تماشای مطالب مستهجن توسط کودکان است و در بدترین حالت، کودکان، به ویژه نوجوانان، در انتشار تصاویر جنسی در اینترنت نقش دارند. علاوه بر این، گزارش شده است که باوجود برنامه های چت روی تلفن همراه مانند واتس اپ، وی چت و توییتر، جوانان امروزی از این برنامه ها سوءاستفاده می کنند، به طوری که نه تنها به اعتیاد به اینترنت، بلکه به اعتیاد جنسی نیز دامن زده است. علاوه بر جنبه های مثبت اینترنت، اینترنت به واسطه ای برای گانگستریسم تبدیل شده است که اکنون به صورت آنلاین وجود دارد. به عنوان مثال، ناوارو در یک نظرسنجی که در بین دانش آموزان دبیرستانی در کارولینای شمالی، ایالات متحده انجام

^۱ Lu, Tian, et, al

^۲ Bishop

شد، رابطه تعقیب سایبری و اعتیاد به اینترنت را بررسی می‌کند (ناوارو، ۲۰۱۱).^۱ باوجود افزایش تعداد جرائم آنلاین مانند قلدری سایبری، تعقیب سایبری و آزار و اذیت سایبری که به‌طور گسترده در روزنامه‌ها گزارش شده است، تحقیقاتی که به‌طور خاص به بررسی بزهکاری کودکان در اینترنت و رسانه‌های آنلاین می‌پردازند، هنوز در مالزی بسیار محدود است (سانفورد، جی فاکس^۲، ۱۹۷۰). فقدان قانون و سیاست برای تنظیم جرائم و فعالیت‌های آنلاین ممکن است از چالش‌های اصلی باشد که نیاز به توجه سریع دارد.

۵. راهبردهای پیشگیری

۱. آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای: مطالعات نشان می‌دهد که آموزش کودکان در زمینه سواد دیجیتال و ارتقای مهارت‌های شناخت تهدیدات مجازی، نقش مهمی در کاهش بزهکاری دارد (قادری، ۱۴۰۱). این آموزش می‌تواند از طریق مدارس، رسانه‌ها و نهادهای مردمی صورت گیرد. آموزش باید شامل نحوه استفاده ایمن از شبکه‌های اجتماعی، شناخت اخبار جعلی، روش‌های مقابله با مزاحمت‌های اینترنتی و رعایت حقوق دیجیتال باشد.

۲. نقش خانواده: نظارت والدین نه تنها باید شامل کنترل‌های فنی باشد، بلکه باید با گفت‌وگو، همراهی و آموزش توأم گردد. پژوهش نادری و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که ارتباط عاطفی بین والدین و کودک، احتمال ارتکاب به بزه در فضای مجازی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌دهد. والدین باید به‌جای کنترل سخت‌گیرانه، فضای اعتماد و حمایت فراهم آورند.

۳. مدرسه و نهادهای آموزشی: مدارس نقش کلیدی در آموزش سواد رسانه‌ای دارند. گنجاندن دروس مربوط به اخلاق دیجیتال، قوانین سایبری و شیوه‌های صحیح استفاده از

^۱ Navarro et, al

^۲ Sanford, J.Fox

اینترنت، بخشی از راهکارهای مؤثر آموزشی است (مشایخی‌فر، ۱۴۰۳). همچنین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان و والدین جهت به‌روز نگه‌داشتن اطلاعات آن‌ها، امری ضروری است.

۴. حمایت‌های حقوقی: دولت‌ها باید با تدوین قوانین تخصصی، قضات و ضابطان قضایی را در مواجهه با بزهکاری کودکان در فضای مجازی توانمند سازند. همچنین باید رویه‌هایی برای حمایت از قربانیان کودک تدوین شود (عبداللهی، ۱۴۰۲). پلیس فتا و سایر نهادهای مرتبط باید به‌طور خاص بخش‌هایی برای جرائم کودکان در فضای مجازی ایجاد کنند.

۵. نقش رسانه‌ها: رسانه‌ها می‌توانند با تولید محتوای آموزشی، فرهنگ‌سازی و هشداردهی نسبت به مخاطرات فضای مجازی، آگاهی عمومی را افزایش دهند. همچنین استفاده از انیمیشن‌ها و داستان‌های تصویری برای آموزش کودکان در این زمینه اثربخش است.

نتیجه‌گیری

این مقاله تنش‌های مربوط به تنظیم مسائل حقوقی ناشی از اینترنت و کودکان را منعکس می‌کند. همانطور که اشاره شده است، هنوز شکاف‌های زیادی در حوزه حمایت از کودکان، چه در کشورهای مسلمان و چه غیرمسلمان، وجود دارد که باید پر شوند. با نگاهی به توسعه ترسناک جرم و جنایت مربوط به کودکان، چه به‌عنوان قربانی و چه به‌عنوان مجرم، می‌توان مسائل مربوط به مسئولیت کیفری کودکان را همراه با مطالعه عوامل مؤثر در عمل بزهکاری، موردبررسی مجدد قرار داد. شاید دستورالعمل کلی حقوق اسلامی در مورد تعیین سن بلوغ بتواند راه‌حلی برای این مسئله ارائه دهد که در آن مسئولیت کیفری به ظرفیت و بلوغ کودک بستگی دارد. مسلماً، برای بزرگ کردن یک کودک به یک روستا کامل نیاز است. از آنجاکه

پیشگیری بهتر از درمان است، از این رو، کودکان باید توسط نهادهای خانواده و اعضای جامعه در "دنیای واقعی" هدایت و حمایت شوند، زیرا غریبه‌ها در "دنیای سایبری" ممکن است به دلیل اعمال خلاف در اینترنت، آینده کودک را به خطر بیندازند. قانون به عنوان ابزاری برای تسهیل و سازگاری با این کودکان آسیب‌پذیر که مستعد ارتکاب خطا نه تنها در اینترنت، بلکه در دنیای واقعی نیز هستند، دیده می‌شود. از آنجایی که ارتکاب خطا به‌ویژه در وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی رواج پیدا کرده است، آموزش مهارت‌های نرم مانند ادب، اخلاق و اخلاق به فرزندانمان که باید در ارتباطات آنلاین منتشر شوند تا شهروندی دیجیتال محترمانه‌ای ایجاد شود، مهم است. فرهنگ مسئولیت‌پذیری آنلاین، کودکان و جوانان را به توانایی قضاوت، پیمایش و ایجاد طیف وسیعی از محتوا و خدمات رسانه‌ای مجهز می‌کند، در حالی که سیستمی از انتخاب، کنترل و محافظت را اداره می‌کند. در مجموع، دولت و جامعه، به‌ویژه والدین و معلمان، نقش حیاتی در تضمین این دارند که سیاست‌ها و قوانین، سازوکاری نه تنها برای محافظت از کودکان، بلکه برای توانمندسازی آنها به عنوان شهروند کشور فراهم می‌کنند که این امر می‌تواند با ترویج آگاهی حقوقی و آموزش کودکان برای مسئولیت‌پذیری بیشتر در اعمال آنلاین خود و همچنین احترام به قانون انجام شود.

بطور کلی پیشگیری از بزهکاری کودکان در فضای مجازی تنها از طریق یک راهکار ممکن نیست، بلکه نیازمند رویکردی چندجانبه و جامع است. همکاری خانواده‌ها، مدارس، نهادهای قضایی، رسانه‌ها و دولت می‌تواند بستری ایمن برای حضور کودکان در دنیای دیجیتال فراهم آورد. از این رو پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران با جدیت بیشتری به تدوین راهبردهای پیشگیرانه، حمایت قانونی و ارتقای فرهنگ دیجیتال بپردازند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- نادری، ن.، تدین، ع.، عبدالحی، س. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای مجازی. فصلنامه انتظام اجتماعی.
- قادری، ع. (۱۴۰۱). تأثیر رسانه های جمعی و فضای مجازی بر پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان. کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی.
- مشایخی فر، ا. (۱۴۰۳). پیشگیری جامعه مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان در محیط های آموزشی مجازی. پایگاه سیویلیکا.
- عبدالحی، س. (۱۴۰۲). پیشگیری رشد مدار از بزهکاری جنسی کودکان در فضای مجازی. فصلنامه علوم اجتماعی و حقوق.

References

- Abdul Karim Zaidan (۲۰۰۶) *Al Wajiz fi Usul Fiqh. Resalah Publisher: Lebanon.*
- Al Mawardi (۱۹۸۹) *Sultaniyyah, Dar Ibn Qutaibah, Kuwait.*
- Anita Abdul Rahim (۲۰۰۹), *Isu Perundangan Mengenai Hukuman*
- An-Nasafi, Abu- Al-Barakat (۲۰۱۱), *Kanz Ad-Daqaaiq, Dar AlBashair Al-Islami; Beirut*

- Azlina@Roszy AG, Gajet@Gen α, ‘ paper presented at *Symposium Penyelidikan dan Meja*, , May, ۱۷, ۲۰۱۷.
- Bainham, A. (۱۹۹۸). *Changing families and changing concepts reforming the of family law*. *Child & Fam. LQ*, ۱۰, ۱.
- Bandalli, S. (۱۹۹۸), Abolition of the Presumption of Doli Incapax and the Criminalisation of Children ‘, *The Howard Journal*, Vol ۳۷, No, ۲, May ۱۹۹۸.
- Bishop, J. (۲۰۱۴), Digital teens and the ‘Antisocial Network’: Prevalance of troublesome Online Youth Groups and Internet trolling in Great Britain‘ ۵(۳) *International Journal of E-Politics*
- English *Oxford living*, ۲۰۱۷ see <https://en.oxforddictionaries.com>.
- Fionda, J. (۱۹۹۹). Crime and Disorder Act ۱۹۹۸: New labour, old hat: Youth justice and the Crime and Disorder Act ۱۹۹۸. *Criminal Law Review*, (Jan), ۳۶-۴۷.
- Flowers, R. B. (۱۹۸۶). *Children and criminality: The child as victim and perpetrator*‘ (Vol. ۱۳). Greenwood Publishing Group.
- Harmut von Henting, as quoted by Crofts, T. ‘Doli Incapax: Why Children Deserve Its Protection’. *Murdoch University* www.murdoch.edu.au/elaw/issues/v1۰n۳/crofts۱۰۳nf.html.
- Hsieh, M.L, Mc Shanes, MD and Williams, MF (۲۰۱۶) ‘*Juveniles in Cyberspace Issues in Enforcement and Parental Control in*

-
- Understanding Juvenile Justice and Delinquency*’, McShane, and Cavanaugh, M (eds) USA: Praeger.
- Ibn Abidin, Muhammad Amin ibn Umar, (۲۰۰۰) *Hashiyah Radd alMukhtar ala al-Durr al-Mukhtar*. V.۶. DarrMa‘rifah: Beirut.
 - Loeber, R., Farrington, D. P., & Petechuk, D. (۲۰۰۳). *Child delinquency: Early intervention and prevention*. Washington, DC: US Department of Justice, Office of Justice Programs, Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
 - Lu, Tian, et, al (۲۰۱۶), *Psychological factors lead to Delinquency Intention on Online Peer-to-Peer Landing Platform, A Survey Evidence*’, PACIS ۲۰۱۶ Proceedings. ۱۹۱. Available at <http://aisel.aisnet.org/pacis۲۰۱۶/۱۹۱> Lu Tian,
 - Majid, M.K. (۲۰۰۱)‘ Akta Kanak-kanak ۲۰۰۱, *Cadangan Pindaan Undang-undang Berkenaan Gejala Sosial*’ in Siti Zaharah, et, al. (Ed) *Siri Undang-undang Mimi Kamariah, Akta Kanak-kanak ۲۰۰۱*, Universiti Malaya: Kuala Lumpur, ۲۰۰۲.
 - Nasimah Hussin, (۲۰۰۷), Juvenile Delinquency in Malaysia: Legal Framework and Prospects for Reforms, *IIUM Law Journal*, ۱۵(۲).
 - Navarro, J. N., Marcum, C. D., Higgins, G. E., & Ricketts, M. L. (۲۰۱۶). *Addicted to the Thrill of the Virtual Hunt: Examining the Effects of Internet Addiction on the Cyberstalking Behaviors of Juveniles*. *Deviant Behavior*, ۳۷(۸), ۸۹۳-۹۰۳.

- Nisrine Abiad and Farkhanda Zia Mansoor (۲۰۱۰) *‘Criminal Law& the Rights of the Child in Muslim States’*. British Institute of International Comparative Law: London.
- Sanford, J.Fox, (۱۹۷۰), *Juvenile Justice Reform: A Historical Perspective’*, ۲۲ Stanford Law Review,
- Sherry Turkle, (۱۹۹۵), *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet’*, Touchstone Edition, New York.
- Sjöberg, U. (۱۹۹۹). The rise of the electronic individual: A study of how young Swedish teenagers use and perceive Internet. *Telematics and Informatics*, ۱۶(۳), ۱۱۳-۱۳۳.
- Snyder, H. N., Espiritu, R. C., Huizinga, D., Loeber, R., & Petechuk, D. (۲۰۰۳). *Prevalence and development of child delinquency*. Child delinquency bulletin series, March ۲۰۰۳.
- Syariah Criminal Offences (*Federal Territories*) Act ۱۹۹۷
- Turkle, S. (۲۰۰۱). Foreword: All MOOs are Educational—the Experience of" Walking through the Self. *High wired: On the design, use, and theory of education MOOs*.
- United States Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention (OJJDP) see: <https://www.ojjdp.gov> [۱۰] Child Act ۲۰۰۱ (Amendment ۲۰۱۶).

- Utusan Borneo (Sabah). ۲۳ Nov ۲۰۱۶, "*Awasi Anak Untuk Elak Jadi Mangsa Pelaku Jenayah Seks*"; Sinar ۱۰ October ۲۰۱۶. *Kanakkanak Jadi Hamba Seks Kenalan WeChat*"
- Wahbah Az-Zuhaili, (۲۰۱۱), *Bab Al-Ahkam As-Syar'iyah*, *Usul Fiqh Al-Islami*, Dar Al-Fikr; Beirut.